

فصلنامه مطالعات زبان‌ها و گویش‌های غرب ایران، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه رازی، کرمانشاه

سال سوم، شماره ۱۴، پاییز ۱۳۹۵، صص ۳۷-۵۹

## روایت و ضدّ روایت در گفتمان حقوقی<sup>۱</sup>

فریده حق‌بین<sup>۲</sup>

دانشیار گروه زبان‌شناسی، دانشگاه الزهراء

پریسا نجفی<sup>۳</sup>

دانشجوی دکتری زبان‌شناسی، دانشگاه شیراز

طلعت جمالی<sup>۴</sup>

دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی

### چکیده

زبان و کاربرد آن در گفتمان حقوقی موضوع بسیاری از پژوهش‌ها بوده است. در عین حال از حیطه‌های جالب و درخور مطالعه، گفتمان دادگاه و فضای محاکمه است. هفر (۲۰۱۰) براساس پژوهش‌های خود و مطالعات پیشین الگویی ارائه می‌دهد که در آن گفتمان دادگاه را متشکل از دو ژانر روایت و ضدّ روایت می‌داند. در پژوهش حاضر نگارندگان به پیروی از هفر نقش «روایت» در فضا و گفتمان دادگاهی را بررسی کرده و فضای محاکمه را متشکل از ژانر ترکیبی دانسته و بر مبنای بررسی و تحلیل داده‌ها، الگویی منطبق بر فضای قضایی در دادگاه‌های کشور ارائه می‌کنند. مراد از ترکیبی بودن ژانر استفاده از ژانر روایت همراه با ژانر ضدّ روایت است. لازم به ذکر است که داده‌های پژوهش حاضر براساس پیکره‌ای متشکل از بیست‌وشش پرونده قضایی کیفری در هر سه مرحله از مرجع انتظامی، دادسرا و دادگاه شهر شیراز تشکیل شده‌اند.

**کلیدواژه‌ها:** گفتمان حقوقی، روایت، ضدّ روایت، الگوی استدلالی، ژانر ترکیبی.

---

۱- مقالات این شماره با تأخیر در سال (۱۳۹۸) پذیرش و چاپ شده‌اند.

۲- پست الکترونیکی نویسنده مسئول:

۳- پست الکترونیکی:

۴- پست الکترونیکی:

## ۱. مقدمه

هریک از مراحل فرایند دادرسی از طرح شکایت گرفته تا فرایند بازجویی بازپرس و فرایند دادرسی و... دارای شرایط و گفتمان خاص خود هستند؛ در عین حال، یکی از بسترهای بسیار جالب و ارزشمند برای مطالعه، دادگاه‌ها و به بیان دقیق‌تر، فضاهای محکمه هستند که در آن مشارکین اعم از شاکی، مجرم، متهم، وکیل، شاهد، قاضی و... نقش خود را در ایجاد ارتباط ایفا می‌کنند. از مباحثی که پیرامون گفتمان جاری در محکمه و جلسات دادگاهی مطرح می‌شود، نقش «روایت» در پیش‌برد فرایند دادرسی است. در این خصوص دیدگاه‌های مختلفی مطرح است که برخی نقش روایت را کم‌رنگ و برخی نیز پررنگ دانسته و اعلام می‌دارند که فضای محکمه فضایی روایی است که در آن هر یک از مشارکین روایت خاص خود را از یک جرم در ذهن دارند (هفر<sup>۶</sup>، ۲۰۱۰). دیدگاه پژوهش حاضر بر این استوار است که نگاه ما به قانون نباید به مثابه مجموعه‌ای از قواعد و قوانین و راهبردهای خشک باشد، بلکه ما در گفتمان حقوقی<sup>۷</sup> با داستان‌ها، توضیحات، اجراها و تبادلات زبانی و در واقع روایت‌های مختلف روبه‌رو هستیم. در واقع همان‌گونه که گورتز<sup>۸</sup> نیز مطرح می‌کند: بررسی روایت در محکمه به معنای دیدن حقایق است تا قوانین؛ توجه به صورت‌ها است به همان اندازه که به مفاهیم توجه می‌شود و کاربرد زبان به اندازه بیان عقیده درخور توجه است؛ این‌ها به این معناست که ما به دنبال این نیستیم که چگونه قانون (یک قاعده حقوقی نسبت به ارتکاب جرم) پیدا می‌شود؛ بلکه چگونه شکل می‌گیرد یا اینکه قاضی چه حکمی را صادر می‌کند اهمیت زیادی ندارد؛ بلکه چگونگی ساخته و پرداخته شدن حکم یادشده درخور توجه است (گورتز، ۱۹۹۶: ۳).

پس از وقوع جرم و هنگام تشکیل پرونده، شاهدان داستان‌های خود را از واقعه روایت می‌کنند و وکیلان و حتی بازپرس یا دادستان هم راوی داستان خود از ماجرای مورد بررسی هستند. همان‌گونه که هفر نیز بیان می‌دارد، قانون به مثابه یک نهاد، در طول تاریخ فرایند محاکمه را به منزله موضوعی که به آزمایش فرضیات (درمورد جرم - مجرم) مربوط است، می‌داند تا به منزله مقایسه داستان‌ها/ روایت‌های مختلف و به همین سبب نیز نقدهای ضد روایت<sup>۹</sup> زیادی نسبت به فرایند

5. narrative

6. C. Heffer

7. legal

8. P. Gewirtz

9. anti-narrative

محاکمه وارد می‌کنند (هفر، ۲۰۱۰). پس می‌توان چنین مطرح کرد که درخلال محاکمه و براساس دیدگاه‌های مختلف آنچه وجود دارد تنش یا کشمکش جذّابی میان دو نیروی روایت و ضدّ روایت است که منجر به ایجاد ژانر گفتمانی ترکیبی<sup>۱۰</sup> (روایت + ضدّ روایت) می‌شود که پایه‌ای برای تعامل بین زبان و قانون است (هفر، ۲۰۰۵).

منظور از روایت (در فضای محکمه)، روایت جرم است؛ یعنی داستان‌هایی که هریک از مشارکین در بافت محاکمه نسبت به جرم بیان می‌دارند و شامل بیان داستان از منظر مشارکین، زمان و مکان داستان است و ضدّ روایت همان بحث‌های قانونی است که عموماً با اتکا بر موارد دقیق قانونی و پرسش و پاسخ‌هایی است که منجر به قطع کلام در حین روایت می‌شود، بررسی مدارک و مستندات که در نهایت منجر به استدلالی منطقی می‌شود. بنابه تعریف شناختی - مفهومی برونر<sup>۱۱</sup> به‌مثابه روان‌شناس، این تمایز (روایت در برابر ضدّ روایت) در قالب دو عنوان، یعنی الگوی روایی در مقابل الگوی استدلالی<sup>۱۲</sup> (نگارندگان براساس تعریف معادل استدلالی را انتخاب نموده‌اند). مطرح می‌شود؛ که براساس آن، استدلال‌کردن بر پایه الگوی روایی به معنای تلاش برای فهم اعمال و مقاصد انسان‌ها (و به دنبال آن نقل آن‌ها) مادامی که در مکان یا زمانی (خاص) قرار می‌گیرند استوار است. درحالی که نتیجه‌گیری برپایه الگوی استدلالی، به معنای تلاش برای (ایجاد) نظام‌های منطقی ایده‌آل و تشریح و تبیین آن‌ها است (برونر، ۱۹۸۶). در واقع نتیجه‌گیری‌های روزمره ما به‌طور عمده برپایه الگوی روایی بوده درحالی که الگوی استدلالی بر استدلال‌های منطقی - علمی که عموماً در محافل علمی و حقوقی موجود است؛ تکیه دارد. در بافت محکمه افراد حقوقی (افراد آشنا به قانون) چنین آموخته‌اند که اصول و فرایندهای حقوقی استدلالی را دنبال کرده و به شواهدی اتکا دارند که بر منطق استوار است؛ همچنین آن‌ها به این مسئله آگاهی وافی دارند که به ارتباط با مشارکینی نیاز دارند که آن مشارکین (افراد حقیقی / غیر حقوقی) به روش آن‌ها دست به استدلال نمی‌زنند و در واقع ژانر روایی خود را دنبال می‌کنند. پس هر دو الگوهای فکری روایی و استدلالی به هم وابسته و جدایی‌ناپذیرند. در جدول زیر برگرفته از هفر (۲۰۰۵: ۲۳) راهبردهای کلیدی در هر دو ژانر مشهود است.

10. complex

11. J. Bruner

12. Paradigmatic

جدول (۱). راهبردهای کلیدی در هر دو ژانر (هفر، ۲۰۰۵: ۲۳)

الگوی استدلالی بافت آزاد	الگوی روایی بافت مقید
<p>تمرکز بر روی مقوله‌های ناشی‌شده از رویدادها عدم لحاظ عاملین با دسته‌بندی آن‌ها به‌منابۀ مقوله‌ها جداسازی رویدادها از زمان و مکان توالی منطقی</p>	<p><b>راهبردهای کنشی</b> تمرکز بر روی پویایی رویدادها تمرکز بر روی عامل انسانی یا شبه‌انسانی قراردادن رویدادها در زمان و مکان توالی زمانی</p>
<p>رد هر چیزی که به‌لحاظ عمومی قابل آزمایش نباشد تمرکز بر عینیات تلاش به‌سوی رویکرد فردی (تک‌گویی) از حقایق ساخت و آزمایش فرضیه‌ها</p>	<p><b>راهبردهای (مربوطه) ذهنیت</b> تلاش برای خواندن ذهن هوشیار دیگران تمرکز بر روی ذهنیت (ناخودآگاه) (مقاصد، عقاید) نمایش پتانسیل گفتگو توسل به تجربیات مشترک</p>
<p>دنبال‌کردن محدودیت‌های ساخته‌شده با منطق یا معیارهای قانونی توسل به تعریف و استدلال منطقی تمرکز بر روی امکان و ضرورت معرفتی مبناگذاری صحت بر اثبات درستی (حقیقت)</p>	<p><b>راهبردهای قانونی (نهاده‌شده)</b> دنبال‌کردن محدودیت‌هایی که به‌واسطه معیارهای فرهنگی ساخته شده است. توسل به داستان‌ها و نوشته‌های مردمی - روان‌شناختی تمرکز بر روی احتمال معرفتی (مانند محتمل است و...) مبناگذاری صحت/ سندیت بر (میزان) پذیرفتگی (واقعی‌بودن)</p>
<p>نشان‌دادن حقایق منطقی یا تجربی قیاس نمونه‌های قابل اثبات با تعریف مقوله توسل بر منبع موث (مانند استفاده از نقل‌قول دقیق (بارجاء)) اظهار نظر عینی بر نتایج تحلیلی</p>	<p><b>راهبردهای ارزشی</b> تأکید بر افعال رویدادها و ذهنیت (متهم و قربانی) قیاس افعال رویداد و ذهنیت مشارکین با معیار (قانونی) استفاده از کلام مستقیم روایت عاملین اظهار نظر ذهنی بر رویدادهای روایی</p>

در جستار حاضر برآنیم که براساس تجزیه و تحلیل داده‌ها، تصویری عینی از الگوی مورد استفاده در گفتمان حقوقی - به‌طور اخص، گفتمان محاکمه - به‌دست داده و نقش روایت را در هر مرحله از فرایند دادرسی و محاکمه را بررسی کنیم. نگارندگان در پژوهش حاضر در پی پاسخ به دو پرسش زیر هستند:

۱- نقش و کاربرد «روایت» در گفتمان حقوقی چگونه است؟

۲- الگوی پیشنهادی هفر (۲۰۰۵) مبنی بر ترکیبی‌بودن ژانر حقوقی به چه شکل در گفتمان حقوقی ایران به‌کار می‌رود؟

لازم به ذکر است که داده‌های پژوهش حاضر براساس پیکره‌ای متشکل از بیست‌وشش پرونده قضایی تهیه شده‌اند که در هر سه مرحله مرجع انتظامی، دادسرا و دادگاه مشاهده و ثبت شده‌اند. از مطالعات انجام‌شده پیرامون نقش روایت می‌توان به هریس (۲۰۰۱) اشاره داشت که به نقش روایت در گفتمان حقوقی و نیز ابزار و شیوه‌های بلاغی در قانون می‌پردازد. هفر (۲۰۰۵) نیز به بررسی چگونگی شکل‌گیری روایت در فضای قضایی و نیز راهبرد مقابل آن یعنی ضدّ روایت می‌پردازد و ویژگی‌ها و راهبردهای به‌کارگیری هریک را ذکر می‌کند. از پژوهش‌های عمده صورت‌گرفته درخصوص کاربرد زبان در قضا نیز می‌توان به کولتارد و جانسون<sup>۱۳</sup> (۲۰۱۰) اشاره کرد. در این کتاب مجموعه‌ای از پژوهش‌های صورت‌گرفته درحوزه‌های مختلف زبان‌شناسی قضایی گردآوری شده است و همچنین می‌توان به روشن و بهبودی (۱۳۸۸)، آقاگل‌زاده و همکاران (۱۳۸۹)، مؤمنی (۱۳۹۱)، مؤمنی و عزیزی (۱۳۹۴)، رضویان و جلیلی دوآب (۱۳۹۶) اشاره داشت.

## ۲- روایت و ضدّ روایت

براساس گفته تولان<sup>۱۴</sup>، روایت‌ها همه‌جا هستند (تولان، ۲۰۰۱: viii) و بخش زیادی از تعاملات در دادگاه به‌واسطه روایت‌ها ساخته و پرداخته می‌شود. مطابق گفته آمستردام<sup>۱۵</sup> و برونر نیز قانون با روایات زنده است ... و گفتمانی ضروری برای (محافل) حقوقی است (آمستردام و برونر، ۲۰۰۲: ۱۱۰). همان‌گونه که در بخش مقدمه نیز بیان شد، در تعریف روایت بسیاری از پژوهش‌گران مانند هفر (۲۰۰۵) و هریس (۲۰۰۵) تعریف برونر (۱۹۸۶) را از روایت پذیرفته‌اند، برونر مفهوم روایت را یک الگوی (از شیوه) تفکر می‌داند. استدلال براساس الگو روایت، تلاشی است برای فهم اعمال و مقاصد انسان‌ها مادامی که در یک زمان یا مکان (معین) قرار می‌گیرند. درحالی‌که استدلال برپایه الگو استدلالی یا منطقی - علمی تلاشی است برای تبیین و توصیف منطقی و علمی مستقل از بافت. درواقع الگوی روایت بررسی احتمال (یا هر آن‌چیزی که شباهت به واقعیت دارد) است و الگوی استدلالی بررسی صحت و اثبات (مسائل) است. درحالی‌که الگوی روایی تفکر عموماً در گفتمان روایی دیده می‌شود و الگوی استدلالی در مباحث علمی، هر دو باهم می‌توانند به‌مثابه درون‌دادی راهبردی در هر شکلی از گفتمان وارد شده و اشکال ترکیبی<sup>۱۶</sup> از گفتمان بسازند (نه

13. M. Coulthard & A. Johnson

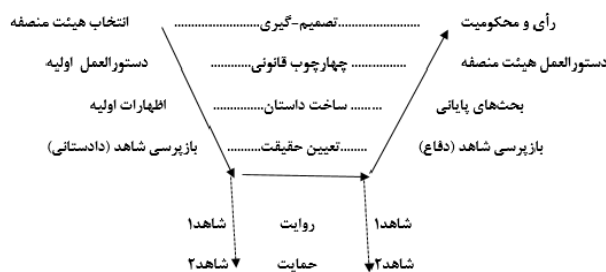
14. M. Toolan

15. A. G. Amsterdam

16. hybrid

روایت کامل و نه ضدّ روایت) که در محکمه یافت می‌شود. شیوه‌ای که براساس آن می‌توان به فهمی وسیع‌تر از روایت قضایی<sup>۱۷</sup> در دادگاه و قواعد خاص صورت‌بندی و شکل‌گیری روایت دست یافت آن است که باید فرایند محاکمه به‌منزله توالی از ژانرها دیده شود که هر یک اصولاً بر روی اهدافی که برپایه شواهد استوار هستند، تمرکز دارند (هفر، ۲۰۱۰: ۲۰۰-۲۰۱).

الگوی زیر مدلی از محکمه به عنوان ژانری ترکیبی می‌باشد که با حضور هیئت منصفه برگزار می‌شود:



نمودار (۱). الگویی از محکمه به‌مثابه ژانر ترکیبی، الگو برگرفته از هفر (۲۰۰۵: ۷۱)

اگرچه توالی ژانرها در محاکمه خطی است؛ اما اهداف استنادی (اهداف به‌منظور جمع‌آوری شواهد و مستندات) به‌صورت سلسله‌مراتبی هستند: حقایق پرونده که باید مشخص و معین شوند، با داستان‌های جرم بافته و آمیخته‌اند، صحت داستان‌ها براساس چارچوب‌های قانونی مانند عمل تفهیم اتهام و قواعد مربوط به شهادت تنظیم می‌شوند و همه این‌ها در بافت مربوط به فرایند تصمیم‌گیری هیئت منصفه رخ می‌دهد (هفر، ۲۰۰۵: ۲-۷۰). مادامی که محکمه جریان پیدا می‌کند، تمرکز از اهداف بخش‌های بالایی تصمیم‌گیری به اهداف پایین‌تر یعنی تعیین و تشخیص حقیقت حرکت می‌کند و سپس دوباره به قسمت بالا یعنی تصمیم‌گیری حرکت می‌کند. هرچند گفتمان موجود در ژانرهای اولیه ناگزیر ژانرهای بعدی را تحت تأثیر قرار می‌دهند؛ برای مثال هردوی چارچوب قانونی و ساخت داستان انواع حقایقی را که دادستان در شهادت شاهد روی آن‌ها تمرکز کرده را تحت تأثیر قرار می‌دهند. به همین شیوه بحث‌های پایانی، حقایق معین در مرحله جمع‌آوری مستندات را به روایات گره می‌زنند؛ همچنین بحث‌های پایانی می‌توانند با ایجاد ارتباط بین داستان‌های ساخته‌شده و چارچوبی روشن قانونی / حقوقی، اتهام‌های حقوقی (متناسب با جرم) را پیش‌بینی کرده یا به جمع‌بندی از پرونده برسند (هفر، ۲۰۱۰: ۲۰۱).

در ادامه به تشریح هریک از مراحل ذکر شده در نمودار (۱) پرداخته می‌شود. لازم به ذکر است که مبانی ارائه شده هفر (۲۰۱۰) براساس روند طبیعی که در دادگاه‌ها در فضای محکمه‌ای کشورهای نظیر انگلستان (و کشورهای متحدالمنافع آن)، ولز و آمریکا تهیه شده است؛ برای نمونه هیئت منصفه و فرایند انتخاب هیئت منصفه و دستورالعمل‌های مربوط به آن بخشی است که در ایران وجود ندارد. به همین منظور نیز، بخش‌هایی که در دادگاه‌ها و فضای محکمه‌ای در ایران مصداق ندارد، به شکل خلاصه‌تری بیان می‌شود (ق: قاضی، م: متهم):

### انتخاب هیئت منصفه و متن‌نوشته‌های<sup>۱۸</sup> روایت

انتخاب هیئت منصفه عموماً طی مراحل صورت می‌گیرد که در آن به کسانی که قرار است به عنوان هیئت منصفه انجام وظیفه کنند، متن‌نوشته‌ای از طرف قاضی داده می‌شود. در این متن‌نوشته، افزون بر روایتی که خلاصه‌ای از کل موضوع پرونده است، پرسش‌هایی پیرامون ماجرای پرونده و جرم صورت گرفته نیز موجود است تا از بین افراد واجد شرایط، کسانی که بیشترین صلاحیت را برای یافتن حقیقت و قضاوت درست دارند، انتخاب شوند.

### دستورالعمل‌های اولیه و قانون روایت

این مرحله که پس از انتخاب هیئت منصفه آغاز می‌شود، به فرایندی اشاره دارد که براساس آن قاضی طی دستورالعمل‌هایی که به هیئت منصفه ارائه می‌دهد، نوع اتهام و همچنین مواد قانونی را درخصوص اتهام و جرم صورت گرفته در قالبی روایی برای آن‌ها توضیح می‌دهد.

### اظهارات آغازین و موضوع روایت

اظهارات آغازین در بسیاری از دادگاه‌های کشورهای دنیا مهم‌ترین فرصت برای مشارکین در پرونده (اعم از متهم، وکیل و...) است تا داستان کلی خود را از جرم ارائه دهند. این داستان کلی در مطالعات مختلف با عنوان‌هایی چون هسته اصلی<sup>۱۹</sup>، کلان‌روایت<sup>۲۰</sup>، روایت اصلی<sup>۲۱</sup> و... مطرح شده و نقش مهمی برای آن در بدو جلسه محاکمه قائل‌اند. هریس اظهارات آغازین را نمونه‌ای واضح از (استفاده) ژانر روایی در دادگاه می‌داند (هریس، ۲۰۰۵: ۲۲۰). هرچند این اظهارات در بخش‌های

18. Scripts

19. kernel

20. macro-narrative

21. master narrative

متعاقب فرایند دادرسی در خدمت اهداف بحثی و جدلی قرار خواهند گرفت؛ به عبارت ساده‌تر با تکیه بر همین اظهارات آغازین است که پرسش و پاسخ‌ها از جرم انجام‌شده شکل خواهند گرفت. بسیاری از پژوهش‌گران (هریس ۲۰۰۱ و ۲۰۰۵ و هفر، ۲۰۰۵: ۷۵-۷۷) روایت اصلی که در درون اظهارات آغازین هست را دارای همان عناصری می‌دانند که لباو (۱۹۶۷ و ۱۹۹۷) برای روایت‌های تجارب شخصی<sup>۲۲</sup> برمی‌شمرد.

**جهت‌گیری<sup>۲۳</sup>:** روایت عموماً با جهت‌گیری آغاز می‌شود که در آن به معرفی و تعیین مشارکین در عمل، زمان، مکان و رفتارهای آغازین اشاره می‌شود و درواقع جهت‌گیری پاسخ به پرسش‌هایی نظیر «چه کسی؟ چه وقت؟ کجا؟ و چه کردند؟» است.

**پیچیده‌سازی عمل<sup>۲۴</sup>:** شامل آن بخش از روایت است که به‌نوعی زمینه<sup>۲۵</sup> زمانی را به زمان حال برگردانده و درواقع در پاسخ به پرسش «بعد چه اتفاقی افتاد؟» تولید می‌شود.

**ارزش‌گذاری<sup>۲۶</sup>:** در روایت افراد (عموماً بزرگسال) گفته‌های ارزشی نیز وجود دارد؛ به این معنا که افراد ارزیابی، نظرات یا دیدگاه‌های خود را نسبت به وقایع نیز بیان می‌کنند یا درصدد ایجاد احساس خاصی نسبت به یک ماجرا در مخاطب خود هستند و به عبارتی پاسخ پرسش «پس/ که چه؟<sup>۲۷</sup>» هستند؛ برای نمونه دانت<sup>۲۸</sup> (۱۹۸۰) از پرونده‌ای مربوط به سقط جنین غیر قانونی‌ای سخن به میان می‌آورد که در آن به بررسی تأثیر انتخاب واژه‌ها به‌مثابه راهبردی ارزشی در ایجاد حسّ مدنظر گوینده در مخاطب می‌پردازد. در این پرونده دادستان از واژه‌هایی نظیر «نوزاد» یا «بچه» استفاده می‌کند که به وجود بالقوه زندگی و حیات اشاره دارد که با سقط نوزاد از او گرفته شده است؛ اما در طرف مقابل، وکیل متهم از واژه‌هایی نظیر «جنین»، «نطفه» یا امثال آن و همچنین عبارات و اصطلاحات خاص پزشکی استفاده می‌کند که تأثیر واژه‌های دادستان و ارزش‌گذاری حاصل از آن را خنثی کند.

**نتیجه<sup>۲۹</sup>:** اشاره به بخشی دارد که در آن نتیجه‌گیری روایت ارائه می‌شود و درواقع پاسخی است به

22. PEN: personal experience narratives

23. Orientation

24. Complicating action

25. setting

26. Evaluation

27. so what?

28. Danet

29. Resolution



پرسش: «چه چیزی در نهایت اتّفاق افتاد؟»

هریس چارچوب یادشده لبّو را به منظور تطبیق با برخی ویژگی‌های خاصّ روایت قضایی به شکل زیر جرح و تعدیل می‌کند:

جهت‌گیری: مطابق تعریف لبّو.

روایت مرکزی<sup>۳۰</sup>: شامل پیچیدگی عمل لبّو اما دربرگیرنده کنش‌های گفتاری نیز می‌شود.

بسط<sup>۳۱</sup>: عنصر قضایی مجزایی که جزئیات و توضیحات بیشتری را برای روایت مرکزی فراهم می‌کند.

هدف<sup>۳۲</sup>: شامل ارزش‌گذاری لبّو است؛ اما به طور خاص به اهداف کلی محاکمه مربوط می‌شود. از آنجاکه توضیح بیشتر این بخش و مثال‌های مربوط به هریک از اجزاء، فضا و مجال بسیاری طلب می‌کند، نویسندگان برای جلوگیری از اطناب سخن، از توضیح بیش از این خودداری کرده و آن را به بخش سوم (تجزیه و تحلیل داده‌ها) موکول می‌کنند (هفر، ۲۰۱۰: ۵-۲۰۳).

#### بازپرسی از مشارکین (شهود) و ساخت داستان

در این مرحله در واقع شاهد دو ساختار (البته منطبق برهم) هستیم که در آن حالت بازجویی و بازپرسی در برابر حالت دفاعی قرار می‌گیرند. به این معنی که افرادی همچون متّهم، وکیل یا دادستان که درصدد محکوم‌کردن یا تبرئه خود یا طرف مقابل هستند، مدارک و شاهدین خود را برای بیان حقیقت احضار کرده و در خلال پرسش و پاسخ و روایت شاهدان به دفاع یا محکوم‌کردن متّهم می‌پردازند. هرچند پژوهش‌گران مختلفی پیرامون این مرحله از دادگاه نظرات متفاوتی از حالت روایی (نقل حقایق بدون قطع کلام) یا حالت استدلالی (پرسش و پاسخ) موجود در آن دارند، اما استفاده از روایت ولو به میزان کمتر از مرحله اظهارات آغازین مسئله‌ای روشن است.

(۱) ق- اتّهام شما محاربه به دلیل مشارکت در سرقت مسلّحانه ۲۶ کیلو طلا و نقره و جواهرات در مسیر...

ق- آیا اتّهام را قبول داری؟

م- بله قبول دارم

30. core narrative

31. elaboration

32. point

ق- چگونگی سرقت مسلحانه طلا و جواهرات را توضیح دهید؟

م- من یاسوج بودم. من اهل گچساران هستم، عباس راد زنگ زد گفت باید بریم شیراز کوروش یه مشکلی برایش پیش آمده. بعد با عباس راد اومدیم شیراز.

ق- با چه ماشینی؟ با چه وسیله‌ای؟

م- ماشین آذرا بود.

ق- ماشین ماله کی بود؟

م- ماله یکی از رفیقام بود.

ق- کی راننده بود؟

م- یکی از رفیقام به نام احمد زرین فرد بود.

در مثال (۱) قاضی براساس گزارش‌های موجود در پرونده می‌کوشد به وسیله بازجویی یا همان پرسش و پاسخی که در قالب الگوی ضد روایت انجام می‌شود، به داستانی که خود از جرم در ذهن دارد (براساس مدارک) برسد.

### بازپرسی همه‌جانبه شهود و اعتبار روایت

در این مرحله از نقطه نظر روایی دو هدف در بازپرسی همه‌جانبه وجود دارد: یکی جزء جزء یا قطعه قطعه کردن داستانی است که در خلال شهادت یا اقرار مشارکین در مرحله پیشین ساخته شده بود و دیگری ارائه نسخه‌های جایگزین برای روایات یا حقایق مطرح شده در حین مرحله پیشین است و این دو هدف اصولاً به واسطه صورت‌بندی، محتوا و مدیریت پرسش‌های فرد سؤال‌کننده (اعم از وکیل، دادستان، قاضی) به دست می‌آید و پاسخ مخاطبین (متهم، شاهد، مطلع) تاحدودی کم‌رنگ و نامرتب جلوه می‌کند. یکی از راهبردهای مورد استفاده در پرسش‌ها که به موجب آن توانایی یا اعتبار شاهد محک زده می‌شود، استفاده از پیش‌انگاره است که در برخورد با چنین پرسش‌هایی یا کل پیش‌انگاره به وسیله شاهد انکار یا دچار شک و تزلزل شده و اعتبار گفته‌های وی ساقط می‌شود.

(۲) ق- شما این خانومو نمی‌شناسی؟

م- نه

ق- گفتی اون موقع کنار دست من نشسته بود.

م- من اونجا نشسته بودم گفتم بهتون اونجا نشسته بودم نمی‌شناسمش باهم صحبت کردیم.

ق- پس چطور این خانم شماره شما رو داره؟

م- حتماً همون روز دادم بهش.

ق- شما که گفتی نمی شناسیش.

از دیگر راهبردهای یادشده می توان به «آماج سؤال‌ها»<sup>۳۳</sup> اشاره داشت که والتون<sup>۳۴</sup> (۱۹۸۹: ۳۱) آن را مطرح می کند و به موجب آن، سؤال کننده شاهد را با آماجی از پرسش ها گیج می کند یا او را به سمتی هدایت می کند که قادر به اقرار دقیقی نشود و در نهایت او را به هیئت منصفه به منزله شاهدی که شهادتش بی اعتبار است جلوه دهد.

ماتوسیان<sup>۳۵</sup> (۱۹۹۳) چنین بیان می دارد که سکوت شاهد/ متهم پس از پرسش و در پی آن تأکید بر سؤال پیشین به وسیله سؤال کننده به هیئت منصفه این حس را القا می کند که شاهد نسبت به پاسخ پرسش بی میل است یا به عبارتی از پاسخ صحیح طفره می رود تا اینکه بخواهد با سکوت خود در فرایند محکمه وقفه ایجاد کند. (برای اطلاع از انواع راهبردهای سؤالی سازی در تعامل بازجویی ر.ک. حق بین و نجفی، زیر چاپ).

### اظهارات پایانی و داستان محکمه

به طور کلی آنچه در این مرحله تلاش می شود صورت گیرد، انطباق روایت ها و حقایق با مواد قانونی است. به بیانی رساتر، در مرحله اظهارات پایانی ساخت و ارزیابی محوریت ندارد؛ بلکه تلاش برای ایجاد پلی بین داستان سرایی ها و مقوله های قانونی / حقوقی است که برای دستیابی به این مهم هیئت منصفه باید مدارک و شواهد لازم را با مواد قانونی مطابقت دهد.

### دستورالعمل هیئت منصفه و روایت سازی

گاهی ممکن است هیئت منصفه راهنمایی های غلطی از گفته های مشارکین دریافت کرده و در نتیجه در تصمیم گیری دچار اشتباه شود، در این شرایط تنها راه حل قاضی و گفته های او است. مادامی که قاضی اقدام به ایراد اتهام به متهم می کند و همچنین مادامی که دست به جمع بندی<sup>۳۶</sup> مستندات و روایت مربوط به پرونده می زند و نظر خود را بیان می کند، هیئت منصفه می تواند از راهنمایی های قاضی استفاده کنند.

33. loaded questions

34. D. Walton

35. G. Matoesian

36. summing-up

### محکومیت و تصمیم‌گیری روایی

پس از شور هیئت منصفه آن‌ها رأی خود را تنها با یک عبارت که دارای دو ارزش گناه‌کاری یا بی‌گناهی است بی‌هیچ توضیح یا روایتی ارائه می‌دهد. در این مرحله پس از آنکه حکم هیئت منصفه ارائه شده و روایت حقیقت جرم ثابت شد (داستان اصلی انتخاب شد) محدودیت‌هایی که بر «قانون روایت»<sup>۳۷</sup> تحمیل شده بود رها می‌شود. محدودیت‌هایی که در واقع از حشوگویی یا روایت مسائل نامرتبط با موضوع جلوگیری می‌کرد. نخست آنکه درخواست دادستان برای تخفیف یا اشد مجازات باعث وسیع‌تر شدن حوزه روایی می‌شود تا عناصر یا بخش‌هایی که در مراحل قبل کنار زده شده بود، مانند سوابق کیفری متهم، شرایط خانوادگی و در برخی کشورها صحبت‌های نهایی خود متهم را نیز شامل شود؛ سپس قاضی نیز در اظهارات پایانی خود که در واقع حکم محکومیت را می‌خواند، رفتار متهم را با عرف و قانون جامعه مقایسه کرده و هر جا که لازم است، از عبارات ارزشی و تأکیدی (این رفتار متهم با قانون اساسی کشور مغایر بوده و موجب اختلال در نظم عمومی جامعه می‌شود) در حکم محکومیت فرد استفاده می‌کند.

آنچه از مباحث ارائه‌شده در بخش مبانی نظری مستفاد می‌شود آن است که در فضای دادگاه و در واقع بافت محکمه روایت نقش مهمی در پیش‌برد فرایند بازپرسی / دادرسی ایفا می‌کند. در واقع تمامی اعضای حاضر در پرونده از شاکی، متهم، پلیس کشف جرم، شاهد، وکیل، دادستان و... براساس دیده‌ها، یافته‌ها، مدارک و مستندات داستان یا روایت خاص خود را از جرم صورت‌گرفته در ذهن دارند و در دادگاه بازگو می‌کنند. در این هنگام تنها مسئله تعیین صحت روایت‌های یادشده و ایجاد ارتباط بین آن‌ها و مواد قانونی است که براساس آن جرم صورت‌گرفته اثبات یا رد شود.

### ۳- تجزیه و تحلیل داده‌ها

#### اظهارات آغازین و موضوع روایت

براساس مباحث عنوان‌شده در بخش قبل، اظهارات آغازین که در قالب الگو یا ژانر روایی بیان می‌شوند، واضح‌ترین کاربرد «روایت» در فضای قضایی هستند که براساس آن‌ها فرایند بازپرسی / دادرسی از پرونده و مشارکین انجام می‌شود. نکته مهم در اینجا آن است که در دادگاه‌ها با حضور هیئت منصفه تلاش مشارکین در پرونده در اظهارات آغازین جلب نظر هیئت منصفه به‌سوی

بی‌گناه یا گناه‌کار دانستن هریک از طرفین است و چه‌بسا در طول فرایند محاکمه با شواهد یا اظهارات جدیدی روبه‌رو شوند. در کشور ما که هیئت منصفه وجود ندارد و تصمیم و رأی نهایی را تنها قاضی می‌گیرد. نگارندگان با مشاهده عینی و نیز بررسی داده‌ها چنین اذعان می‌کنند که اظهارات آغازینی که براساس آن‌ها بحث و درواقع پرسش و پاسخ‌های متعاقب انجام می‌گیرد اظهارات و روایاتی است که در هریک از مراحل مرجع انتظامی و نیز دادرسی در اختیار قاضی قرار می‌گیرد و درواقع قاضی بر مبنای اظهارات پیشین، اظهارات نهایی متهم را ارزیابی کرده و مورد پرسش و پاسخ قرار می‌دهد. در مثال (۳) اظهارات متهم و شاکی در مرحله مرجع انتظامی و سپس گزارش کلی مرجع انتظامی و نیز اظهارات متهم در مرحله دادرسی و در پایان حکم دادیار پس از انجام فرایند دادرسی / بازپرسی ارائه شده و موضوع روایی هریک از اجزاء و بخش‌های آن براساس الگوی روایت قضایی هریس (۲۰۰۱) مشخص شده است. هدف از ارائه این بخش و مثال‌ها، اثبات فرضیه نگارندگان درخصوص این مطلب است که اظهارات آغازین ترکیبی از هر دو ژانر روایی و استدلالی (ضدّ روایی) هستند؛ زیرا رأی نهایی دادیار پس از انجام فرایند دادرسی تنها با استناد به مواد قانونی و استدلال منطقی است و همه اظهارات مشارکین (ژانر روایی) و رأی نهایی دادیار (ژانر استدلالی / ضدّ روایی) چارچوب کلی اظهارات آغازین را شکل می‌دهند. (علامت «-» مؤید قطع روایت به منظور جداسازی بخش‌های مختلف آن است).

### ۳) اظهارات شاکی در مرجع انتظامی

جهت‌گیری: دختر سه‌ساله‌ام به نام مریم گودرزی ظهر پنج‌شنبه تقریباً ساعت ۱:۳۰ تا ۲ در کوچه مشغول بازی بوده. فردی به نام زهرا بیگی او را به دنبال خود کشانده به بهانه اینکه برایت بستنی می‌خرم و تا کوچه روبه‌روی آموزش و پرورش برده و گوشواره‌های دخترم را بیرون آورده - هدف: و او را داخل کوچه رها کرده و تنها به خانه برگشته. دخترم ترسیده و گوشواره‌هایش را گرفته بود.

روایت مرکزی: گفت مامان یک زن گوشواره‌هایم را درآورد و رفت. به دنبالش گشتم و او را ندیدیم.

همان‌گونه که در بخش (۲) نیز بیان شد، هریس براساس الگوی لبو (۱۹۹۷) از ساختار روایت الگوی قضایی روایت را ارائه می‌دهد که دارای اجزای جهت‌گیری، روایت مرکزی، بسط و هدف

است. در مثال (۳) روایت شاکی از صحنه جرم دارای جهت‌گیری، یعنی اشاره به مشارکین زمان و محلّ جرم و شرح کوتاهی از عمل انجام شده است. روایت دارای هدف است که به‌موجب آن راوی از عباراتی ارزش‌گذار نظیر [...] رها کرده و تنها ... ترسیده و... گرفته بود] استفاده می‌کند تا حسن‌گناه‌کاری متهم را بیشتر تقویت کند. استفاده از الفاظ و عبارات ارزش‌گذار به‌منظور تأثیری که در مخاطب ایجاد می‌کنند، مهم هستند و استفاده از چنین راهبردی می‌تواند به‌واسطه ابزار زبانی از انتخاب کلمات گرفته تا چگونگی کاربرد آوای زبانی صورت گیرد (در تمامی مثال‌ها عبارت‌های ارزشی به‌صورت خمیده مشخص شده‌اند).

#### ۴) اظهارات متهم در مرجع انتظامی

روایت مرکزی: بچه رو دیدم. اومد پیشم. گفت برام بستنی و آدامس بخر و بردمش تو یه کوچه خلوت گوشواره رو توی گوشش دیدم-

هدف: با توجه به موادی که مصرف کرده بودم، وسوسه شدم گوشواره‌ها رو درآوردم.

روایت متهم نخست با روایت مرکزی آغاز می‌شود که به‌موجب آن داستان وقوع جرم به‌طور خلاصه تعریف می‌شود؛ سپس راوی در بخش هدف از عبارت‌های ارزشی‌ای نظیر مصرف مواد و وسوسه‌شدن سعی در توجیه عمل و بی‌گناه جلوه‌دادن خود دارد.

#### ۵) گزارش مرجع انتظامی (کلانتری)

جهت‌گیری: در مورخ ۹۷/۷/۱۸ ساعت ۱۴ کودک سه‌ساله آن‌ها را خانمی ربوده و پس از یک ساعت که به منزل مراجعه کرده، گوشواره او در گوشش نبوده و پشت پای او نیز زخم شده است که-

بسط: پس از بررسی از دوربین‌های مداربسته مغازه‌ها، سارق که خانمی است را شناسایی کرده که هم‌اکنون کنار پارک لاله است که با راهنمایی وی (شاکی) در محل حاضر خانم مورد نظر در محل مشاهده خود را زهرا بیگی معرفی و به اتهام پیش‌گفته اعتراف نموده که اقدام به سرقت طلا کرده که به‌منظور بررسی بیشتر به کلانتری داده شده است.

هدف: درضمن (متهم) اظهار داشت که اعتیاد به مواد مخدر از نوع تریاک دارد.

همان‌طور که در مثال (۵) گزارش مرجع انتظامی مشاهده می‌شود، این گزارش ژانر روایی دارد. نخست در بخش جهت‌گیری به معرفی مشارکین، زمان، مکان و مقدمه‌ای کوتاه از عمل انجام‌شده

می‌پردازد؛ سپس در بخش بسط به استفاده از عنصری قضایی، یعنی به‌کارگیری دوربین‌های مداربسته و نیز شرح بیشتر و ذکر جزئیات اقدامات انجام‌شده می‌پردازد. درنهایت نیز در بخش هدف اعتیاد متهم به‌عنوان مصرف‌کننده تریاک را بیان می‌کند.

آنچه نگارندگان در بخش «اظهارات اولیه و موضوع روایت» درصدد تبیین آن هستند این است که براساس داده‌های مشاهده و بررسی‌شده، عموماً مرحله طرح شکایت در کلانتری/ مرجع انتظامی ژانر روایی دارد و راهبرد ضدّ روایت (سؤال و جواب و قطع کلام) به نسبت مراحل بعد بسیار کمتر مشاهده می‌شود. به‌طور خلاصه دلیل این مسئله نیز تقسیم وظایف و نقش‌هایی است که در سیستم قضایی وجود دارد و به‌موجب آن مرجع انتظامی وظیفه ثبت شکایت و شرح عمل صورت‌گرفته و جمع‌آوری مدارک و شواهد را دارد که در آن عموماً با بیان روایات مشارکین روبه‌رو هستند و بررسی و اثبات جرم صورت‌گرفته برعهده بخش‌های دیگر (دادسرا ← دادگاه) است.

### اظهارات ثانویه

چنان‌که در بخش پیشین بیان شد، پس از ثبت شکایت و ارائه روایت‌ها مشارکین از داستان جرم، مرجع انتظامی گزارش خود را به‌همراه ادله‌ای که ممکن است به‌دست آمده باشد در قالبی روایی برای مرجع رسیدگی به پرونده در مرحله بعد ارسال می‌کند. در مرحله حاضر که به بازپرسی همه‌جانبه و تعیین میزان اعتبار روایات و شواهد اختصاص دارد، از متهم خواسته می‌شود که اظهارات خود را دوباره روایت کند. لازم به ذکر است که در دادسرا، دادیار/ بازپرس روایت مرجع انتظامی از جرم را به‌عنوان اظهارات اولیه نزد خود دارد و به آن آگاه است. درواقع اظهارات اولیه به‌صورت درون‌داد مرحله دادرسی عمل می‌کنند. در مثال زیر پس از آنکه ازسوی دادیار تفهیم اتهام صورت گرفت (به متهم گفته شد که به چه اتهامی بازداشت/ فراخوانده شده است) از متهم می‌خواهد که داستان خود از جرم را شرح دهد:

### ۶) اظهارات متهم در دادسرا

جهت‌گیری: روز پنج‌شنبه ساعت ۱۳:۳۰ دختر بچه چهارساله جلوی خانه خودشان با دوچرخه‌بازی می‌کرد.

روایت مرکزی: مرا که دید دوچرخه را گذاشت داخل خانه و به من گفت: خاله برای من بستنی

خریدی من گفتم می‌خواهم برم بخرم گفت مرا نیز می‌بری؟-

هدف: من بچه را چندبار قبل هم دیده بودم و او را نوازش کرده بودم که آن روز اصلاً در حالت طبیعی نبودم و شیشه کشیده بودم که دست به الگوهایش نازم و فقط وسوسه گوشواره‌هایش را داشتم و آن‌ها را در آوردم.

گوشواره‌ها را در چه محلی در آوردی؟

در کوچه پشت خانه خودشان که حدود پنجاه متر با خانه‌شان فاصله داشت و من او را نبردم و خود بچه پشت سر من آمد.

چرا پشت سر شما آمد؟

چون یک‌بار قبلاً برای او بستنی خریده بودم، ولی آن روز به بستنی (خریدن) نرسیدم.

از کجا آن‌ها را می‌شناختید؟

همسایه خانه قدیمی‌مان در خیابان سعدی نزدیک به بیمارستان است.

همان‌گونه که مشاهده می‌شود بخش نخست مرحله دادرسی با روایت داستان متهم از جرم شروع می‌شود. در بخش جهت‌گیری به بیان مشارکین، مکان، زمان و بخشی از داستان جرم پرداخته و در ادامه در بخش روایت مرکزی، داستان جرم را توصیف و در بخش هدف نیز با ابزار زبانی سعی در به‌کارگیری عبارات ارزشی دارد. برای نمونه استفاده از قیود «اصلاً» و «فقط» و عباراتی که توجیه می‌کند عمل او از روی اراده نبوده: «اصلاً در حالت طبیعی نبودم و شیشه کشیده بودم که دست به الگوهایش نازم و فقط وسوسه گوشواره‌هایش را داشتم.» چنان‌که در ادامه فرایند دادرسی مشاهده می‌شود، پس از آنکه متهم روایتی کوتاه در مورد جرم صورت‌گرفته را بیان می‌کند، ادامه فرایند دادرسی براساس الگو «ضد روایت»، یعنی قطع مداوم کلام و پرسش و پاسخ صورت می‌گیرد. بازجو (بازپرس / دادیار / قاضی) روش‌های مختلفی برای تعیین صحت و سقم روایات و شواهد در اختیار دارد؛ برای مثال از انواع راهبردهای سؤالی‌سازی در فرایند بازجویی استفاده می‌کند؛ زیرا در این مرحله پرسش‌ها دقیق‌تر و به‌صورت کنترل‌شده‌تر مطرح می‌شود (برای اطلاع از انواع راهبردهای سؤالی‌سازی در تعامل بازجویی ر.ک: حق‌بین و نجفی، زیر چاپ).

### بازپرسی شهود و ارائه مدارک

پس از آنکه متهم خلاصه‌ای از روایت جرم را بیان کرد، بازپرس براساس اظهارات اولیه و ثانویه وی را به‌منظور تعیین اعتبار روایات و مستندات مورد استنطاق قرار می‌دهد. در این میان هرگونه مدرک



و شاهد نیز ارائه شده و مورد ارزیابی قرار می‌گیرد.

(۷) هرگونه علم و اطلاعی از درگیری بین رضا رشیدی و سعید میرزایی دارید بیان کنید؟

**جهت‌گیری:** من به‌همراه مرتضی میری و آقای رضایی و سعید میرزایی روز چهارشنبه در نانوائی مشغول به‌کار بودم.

**روایت مرکزی:** من رفتم بیرون یک کنسرو لوبیا برای میرزایی خریدم. وقتی برگشتم یک خودروی ۴۰۵ نقره‌ای که هفت نفر سوار آن بود و راننده اصلاً پیاده نشد و من فقط یک‌بار رضا رشیدی را از قبل دیده بودم که به نانوائی آمده بود و سعید میرزایی را تهدید می‌کرد را از بین آن هفت نفر می‌شناختم و مابقی افراد را نمی‌شناختم.

**بسط:** اوّل رضا رشیدی یک چاقو و یک اسلحه کلت به‌همراه داشت. حدود چهار نفر بودند که همگی چاقو در دست داشتند و یکی از آن‌ها هم که صورتش پوشیده بود، اسلحه سوزنی در دست داشت و تیراندازی کرد به‌صورت هوایی با اسلحه سوزنی یک تیر انداخت و صدای تیراندازی را هم در درون نانوائی شنیدم و بعد سعید میرزایی با چاقو توسط رضا رشیدی زخمی شد و با اسلحه کلت زمانی که همگی سوار ماشین شدند، تیری به‌سمت ساختمان کناری و یک تیر هم به‌سمت تاکسی تلفنی شلیک نمودند که آثار تیراندازی مشخص است و من با چشم خودم در همان زمان گلوله‌هایی که ریخته بود دیدم که به دست مأمورین داده شد و بعد هم میرزایی به بیمارستان منتقل شد.

در مثال (۷) شاهد پرونده اظهارات خود را در قالب روایت بیان می‌کند. در این هنگام نیز اگر قاضی با مغایرتی در روایت شاهد مواجه شود، کلام او را قطع کرده و به‌شیوه ضدّ روایت یعنی پرسش و پاسخ فرایند بازپرسی را ادامه می‌دهد.

از دیگر مدارک و شواهد مورد نیاز در تعیین و ایراد رأی نهایی می‌توان به گزارش‌هایی که از مراجعی نظیر پزشکی قانونی و یا اداره تشخیص هویت اشاره داشت که این دست گزارش‌ها نیز در قالبی ضدّ روایت ارائه شده و درواقع بر پایه استدلال و الگوی استدلالی بیان می‌شوند:

(۸) نظر اداره تشخیص هویت پلیس آگاهی ..... به شماره ..... مورخ ۱۳۹۷/۶/۵ درخصوص اسناد و مدارک مکشوفه در منزل متهم عباس رستمی بدین‌شرح که کاغذهای نیم‌سوخته موجود مربوط به برگه ثبت ازدواج موقت دارای اصالت از حیث جنس کاغذ بوده، لیکن در ضرب امهار از

دستگاه‌های انتقال مندرجات رنگی نظیر پرینتر و اسکنر استفاده شده و فاقد اصالت است و کاغذهای نیم‌سوخته موجود به شناسنامه‌های ساختمانی با شناسنامه پستی ... و از حیث کاغذ به کاررفته فاقد اصالت بوده و امهار ضرب‌شده به وسیله دستگاه‌های انتقال مندرجات رسمی نظیر پرینتر و اسکنر تهیه شده و فاقد هرگونه اصالت است و کاغذهای نیم‌سوخته موجود مربوط به کارت دانشجویی که ادامه مهر ضرب‌شده روی عکس درامداد ادامه مهر روی کاغذ نبوده و به وسیله دستگاه‌های رنگی نظیر پرینتر و اسکنر تهیه شده و فاقد اصالت است.

هدف از ارائه دو مثال (۷) و (۸) اثبات این مدعا است که در صدور رأی نهایی دادیار/ بازپرس هر دو ژانر روایت و ضد روایت (الگوی استدلالی) دخالت دارند و در واقع گفتمان موجود در فرایند دادرسی/ بازپرسی ژانری ترکیبی دارد. به منظور به دست دادن دیدی کلی از مراحل صدور رأی دادسرا (تنها به ذکر مراحل بسنده شده و از توضیح اضافی خودداری می‌شود) براساس شواهد و مدارک موجود، مراحل صدور رأی پرونده ارائه می‌شود:

۱- شکایت شاکی (روایت) ← ۲- اظهارات اولیه شاکی (روایت) ← ۳- اظهارات اولیه متهم (روایت) ← ۴- گزارش‌ها و تحقیقات مأمورین کلانتری (روایت + ضد روایت) ← ۴- (گاهی) مواجهه حضوری شاکی و متهم (روایت + ضد روایت) ← ۵- نظریه مراجع ذی‌ربط همچون پزشکی قانونی/ اداره تشخیص هویت (ضد روایت) ← ۶- گواهی شاهد یا فرد مطلع (روایت + ضد روایت) ← ۶- اظهارات متهم در دادسرا (روایت + ضد روایت) ← صدور رأی (ضد روایت).

### قرار دادسرا (رأی نهایی دادسرا)

۹) در خصوص شکایت آقای مجتبی گودرزی فرزند خلیل از (طرف) خانم مریم گودرزی فرزند مجتبی علیه خانم زهرا بیگی فرزند محمد دایر به آدم‌ربایی و سرقت گوشواره طلا با عنایت به جمیع اوراق و محتویات پرونده دلایل و امارات زیر:

۱- صورت جلسه مورخ ۹۷/۵/۲۰ مرجع انتظامی

۲- اقرار متهم در مرجع انتظامی و قضایی

۳- اعاده مال مسروقه به شاکی

اتهام انتسابی ایشان به استناد مواد ۶۲۱ و ۶۶۱ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ وجه و مسلم تشخیص است؛ لذا با استناد ماده ۲۶۵ قانون آیین کیفری ۱۳۹۲ قرار جلب به دادرسی متهم

صادر و اعلام می‌شود.

همان‌گونه که در مثال (۹) مشاهده شد، رأی نهایی دادسرا را که دادیار/ بازپرس صادر می‌کند، در قالب ضدّ روایت یا الگوی استدلالی ارائه می‌شود؛ یعنی در این مرحله گزارش و رأی نهایی تنها براساس استدلال بر پایه شواهد و روایات مشارکین، قوانین و موادّ قانونی و تطبیق داستان جرم با آن‌ها (موادّ قانونی) انجام می‌گیرد و وظیفه دادیار انطباق موادّ قانونی با داستان روایت‌شده به‌منظور گناه‌کار دانستن یا تبرئه‌کردن متّهم است.

### اظهارات پایانی

(۱۰) اظهارات متّهم در دادگاه؛ شما متّهم به آدم‌ربایی و سرقت هستید. دفاعیات خود را بیان کنید: من به دزدی گوشواره اعتراف می‌کنم؛ ولی آدم‌ربایی را قبول ندارم. ۹۷/۵/۱۹ در خونه عمویم که همسایه شاکی است بودم بچه شاکی با نوه عمویم بازی می‌کرد. بچه مرا دید. نوه عمویم یک‌بار قبل هم بردم بستنی گرفتم با همین بچه شاکی مرا شناخت؛ همان روز مرا دید گفت خاله برایم بستنی می‌خری؟ گفتم نه مامانت کجاست؟ گفت خوابه. گفتم برو خونتون. چرخش رو گذاشت در(ب) خونشون و دنبال من آمد که توی فیلم هم معلوم است. تو کوچه که خلوت بود گوشواره‌اش را درآورم. من رفتم دنبال کار خودم که برویم مغازه برایش بستنی بگیرم، پشت سر من آمد که مغازه هم بسته بود. من وسوسه شدم گوشواره‌اش را درآوردم برداشتم و بردم. دختر رفت خونشون وقتی گوشواره‌اش را درآوردم گفتم شکسته است و خواستم جوش بدم.

برای چی گوشواره درآوردی؟

نمی‌دوم من تریاک می‌کشیدم.

پس اظهارات شما نزد مأمورین در صفحه ۳ پرونده چه می‌گوید؟

بله این‌ها را قبول دارم. الآن هم می‌گویم همان کوچه خودشون بود.

قبلاً برایش بستنی گرفته بودی؟

نه برای دختر شاکی نگرفتم... [تکرار اظهارات پیشین]... گفت بستنی برایم می‌گیری؟ گفتم

باشه می‌روم؛ دنبال من آمد که رفتم تو کوچه گوشواره‌اش را درآورم و رفتم شیطان گولم زد.

اظهارات پایانی اشاره به گفته‌ها و روایاتی دارند که برای آخرین‌بار از سوی قاضی از متّهم

پرسیده می‌شوند. این اظهارات هم‌زمان در بردارنده الگوی روایت و نیز ضدّ روایت هستند.

همان‌گونه که در مثال (۱۰) مشاهده می‌شود، گفته‌های متّهم نخست در قالب ژانر روایی بیان شده

و در ادامه قاضی به شیوه ضدّ روایت به سؤال و جواب می‌پردازد. لازم به ذکر است که اظهارات پایانی دفاعیات آخر متهم را نیز دربر دارد. در این مرحله ممکن است گفته‌هایی مطرح شود که در مراحل پیشین به نوعی حشو محسوب می‌شده‌اند؛ برای نمونه ممکن است از وضعیت خانوادگی، شرایط روحی یا امثال این‌ها برای تخفیف در مجازات استفاده شود. این نوع اظهارات در بردارنده عبارات و جملات ارزشی هستند که احساسات مخاطبیان را برانگیخته و در واقع تقاضای کاهش و تخفیف مجازات دارند. عبارات ارزشی در مثال (۱۱) که از سوی وکیل متهم مطرح می‌شود به صورت خمیده (ایتالیک) معین شده‌اند.

#### (۱۱) اظهارات پایانی وکیل متهم

به وکالت از متهم به استحضار می‌رساند با توجه به وضعیت وی، اعتیاد و نیاز مالی ایشان قصد وی تنها گرفتن طلاجات دختر بچه بوده است و ربایش، مورد نظر او نبوده است. در ماده ۶۲۱ قانون مجازات اسلامی صورت نگرفته. با توجه به سن و سال (دختر بچه) و آشنایی با موکل اینجانب که موکل را خاله خطاب نموده است و دلیلی بر آدم‌ربایی نیست و در مورد سرقت با توجه به وضعیت موکل و استرداد مال مسروقه تقاضای اعمال تخفیف دارم.

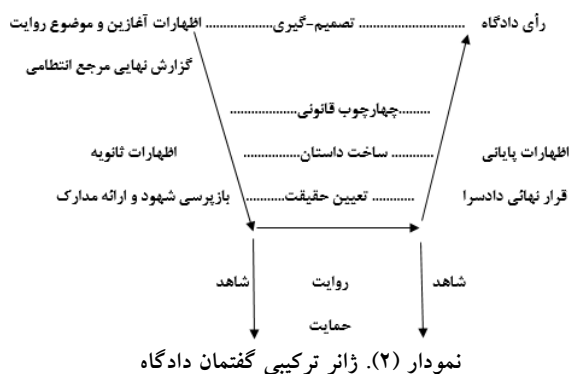
#### رای قاضی

(۱۲) با توجه به مفاد کیفرخواست دادسرا و دفاعیات خلاف واقع متهم در جلسه این دادگاه از باب آدم‌ربایی و دفاعیات غیرموجه وکیل مدافع وی و سایر قراین و امارات موجود در پرونده او به نظر دادگاه بزه‌های انتسابی به متهم موصوف محرز و مسلم است. دادگاه با استناد به مواد ۶۲۱ و ۶۱۱ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ و رعایت ماده ۱۳۴ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ و لحاظ ماده ۳۷ و ۳۸ قانون اخیر الذکر با توجه به وضعیت خاص و شرایط وی و اظهار ندامت و پشیمانی متهم که موجبات تخفیف مجازات را توجیه می‌نماید حکم بر محکومیت زهرا بیگی به تحمل ده سال حبس تعزیری با احتساب ایام بازداشت قبلی از باب آدم‌ربایی و تحمل یک سال و یک ماه و پانزده روز حبس تعزیری با احتساب ایام بازداشت قبلی و سی‌وهفت ضربه شلاق تعزیری با رعایت موازین شرعی و قانونی از باب سرقت با شرط اجرای مجازات صادر می‌شود این رأی حضوری و ظرف مدت بیست روز پس از ابلاغ قابل فرجام‌خواهی در دیوان محترم عالی کشور است.

مثال (۱۲) مؤید این مطلب است که رأی نهایی قاضی در قالب ژانر ضدّ روایت یا الگوی استدلالی ارائه می‌شود؛ به عبارتی رساتر قاضی در صدور رأی خود تنها با تکیه بر استدلال‌های منطقی و تطبیق گفته‌های هریک از مشارکین و نیز مدارک و شواهد با موادّ قانونی است.

#### ۴- نتیجه‌گیری

همان‌گونه که در بخش‌های پیشین نیز بیان شد، پژوهش حاضر درصدد تبیین جایگاه «روایت» در گفتمان قضایی بود. براساس این، سعی شد تا تصویری عینی از سازوکار فرایند جریان دادرسی و محاکمه ارائه شود. داده‌های پژوهش حاضر مؤید این مطلب است که روایت و درواقع ژانر روایی نقشی برجسته در پیش‌برد فرایند محاکمه دارد؛ به‌گونه‌ای که اصلاً و اساساً تمامی مراحل و فرایندهای مربوط به پرونده قضایی براساس روایت مشارکین است که انجام می‌گیرد. درواقع جلسه دادرسی یا محاکمه براساس طرح یک شکایت یا به‌عبارتی روایتی از یک عمل اشتباه یا مغایر با قانون است که در این حین، هر شرکت‌کننده‌ای اعم از شاکی، متهم، قاضی، پلیس، وکیل و... براساس شواهد و مدارک، داستان یا روایت خود را از جرم صورت‌گرفته در ذهن می‌پروراند. در این هنگام برخی مراحل فرایند دادرسی که درنهایت منجر به صدور حکم و رأی نهایی قاضی می‌شود، دارای ژانر یا الگوی استدلالی (ضدّ روایت) هستند؛ برای مثال عموماً رأی نهایی بازپرس و قاضی به‌صورت استدلال‌های منطقی و نیز تطابق روایت و مدارک با مفاد و موادّ قانونی است که در قالب الگوی ضدّ روایت عرضه می‌شود. براساس مباحث ذکرشده، نگارندگان قائل به وجود ژانر ترکیبی (کاربرد روایت + ضدّ روایت) در گفتمان قضایی بوده و الگوی ارائه‌شده هفر (۲۰۰۵) را که براساس فضای قضایی دارای هیئت منصفه است را به‌صورت زیر برای فضا و گفتمان قضایی در کشورمان ارائه می‌دهند:



## منابع

- آقاگل‌زاده، فردوس؛ فائزه فرزانه‌پور و ارسلان گلغام (۱۳۸۹). تحلیل زبان‌شناختی آرای قضایی براساس الگوی خلاق: رویکرد حوزه‌ زبان‌شناختی حقوقی. *فصلنامه پژوهش‌های زبان و ادبیات تطبیقی*، ۱ (۱)، ۱۱-۲۷.
- رضویان، حسین و مریم جلیلی دوآب. (۱۳۹۶). ویژگی‌های گفتاری متهمان به سرقت در محاکم قضایی. *دوماهنامه علمی - پژوهشی جستارهای زبانی*، ۱ (۴۲)، ۹۱-۱۱۶.
- روشن، بلقیس و سپیده بهبودی (۱۳۸۸). توصیف ویژگی‌های نحوی واژگانی متون حقوق مدنی فارسی. *مجله زبان و زبان‌شناسی*، ۵ (۹)، ۱۰۵-۱۳۶.
- مؤمنی، نگار (۱۳۹۱). تحلیل جرم‌زبانی «دروغ در نظام قضایی» از منظر زبان‌شناسی حقوقی (مطالعه موردی در محاکم قضایی تهران). *زبان‌پژوهی دانشگاه الزهرا (س)*، ۴ (۷)، ۲۳۹-۲۶۵.
- و سیروس عزیزی (۱۳۹۴). نقش تغییر موضوع و نقض اصول گرایس توسط متهم در بازجویی‌ها (مطالعه موردی در آگاهی تهران بزرگ). *زبان‌پژوهی دانشگاه الزهرا (س)*، ۷ (۱۶)، ۱۵۹-۱۷۵.
- Amsterdam, A. G. & J. Bruner (2002). *Minding the Law*, Cambridge, MA: Harvard University Press.
- Bruner, J. (1986). *Actual Minds, Possible Worlds*, Cambridge, MA: Harvard University Press.
- (2004). Life as narrative, *Social Research*, 71 (3), 691-710. (Originally published in *Social Research* 54 (1), Spring 1987).
- Danet, B. (1980). "“Baby” or “fetus”: language and the construction of reality in a manslaughter trial", *Semiotica*, 32, 187-219.
- Gewirtz, P. (1996). 'Narrative and rhetoric in the law', In: P. Brooks & P. Gewirtz (Eds.), *Law's Stories: Narrative and Rhetoric in the Law*, New Haven, (pp. 2-13). CT: Yale University Press.
- Harris, S. (2001). 'Fragmented narratives and multiple tellers: witness and defendant accounts in trials', *Discourse Studies*, 3 (1), 53-74.
- (2005). 'Telling stories and giving evidence: the hybridisation of narrative and non-narrative modes of discourse in a sexual assault trial', In: J. Thornborrow & J. Coates (Eds.), *The Sociolinguistics of Narrative*, (pp. 215-237). Amsterdam: Benjamins.
- Heffer, C. (2005). *The Language of Jury Trial: A Corpus-Aided Analysis of Legal-Lay Discourse*, Basingstoke/New York: Palgrave Macmillan.
- (2010). Constructing crime stories in court. Coulthard, Malcom, Johnson Alison (Eds.). *The Routledge Handbook of Forensic Linguistics*. (pp. 199-216). UK: Routledge Publication.
- Labov, W. & J. Waletzky (1967). 'Narrative analysis: oral versions of personal

- experience', In: J. Helms (Ed.) *Essays on the Verbal and Visual Arts: Proceedings of the 1996 Annual Spring Meeting of the American Ethnological Society*, (pp. 12-44). Seattle, WA: University of Washington Press.
- (1997). 'Some further steps in narrative analysis', *Journal of Narrative and Life History*, 7 (1-4), 395-415.
- Matoesian, G. (1993). *Reproducing Rape: Domination through Talk in the Courtroom*, Cambridge: Polity Press.
- Toolan, M. (2001). *Narrative: A Critical Linguistic Introduction*. 2nd edn, London: Routledge.
- Walton, D. (1989). *Informal Logic: A Handbook for Critical Argumentation*, Cambridge: Cambridge University Press.

